

درنگی در کارنامه ۱۹۸۲-۲۰۰۴

کمیسیون حقوق بشر و جمهوری اسلامی ایران

علی کریمی خوزانی
عطیه صنعتگران محب علی

درآمد

از سال ۱۹۸۲ تا سال ۲۰۰۲ نزدیک به دو دهه و دیدگاه سوم تلفیقی از دیدگاه اول و دوم جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون حقوق بشر می باشد. در این تحقیق که تلاش ما اثبات دیدگاه به عنوان کشور ناقض حقوق بشر معرفی دوم است سعی می شود که بهترین راهکار عملی در برخورد با کمیسیون حقوق بشر به وسیله می گردید و هر ساله قطعنامه ای بر علیه ایران صادر می شد، اما در پاسخ به این سؤال که چرا ایران به عنوان کشور ناقض حقوق بشر معرفی می شد؛ سه دیدگاه وجود داشت: دیدگاه اول که به عملکرد داخلی برای اثبات درست بودن قطعنامه های کمیسیون حقوق بشر اشاره می کرد. دیدگاه دوم که به دشمنی دنیای غرب با انقلاب ایران و تلاش آنها برای انزوای کشورمان با توجه به حربه ی حقوق بشر اشاره می کند و علت آن را ساختار سیاسی کمیسیون حقوق بشر می دانند.^(۱)

و دیدگاه سوم تلفیقی از دیدگاه اول و دوم می باشد. در این تحقیق که تلاش ما اثبات دیدگاه دوم است سعی می شود که بهترین راهکار عملی در برخورد با کمیسیون حقوق بشر به وسیله ی مطالعه ی روابط متقابل جمهوری اسلامی با کمیسیون ارائه شود. اما در ابتدا برای اینکه به دیدگاه و نگرش ایران نسبت به کمیسیون حقوق بشر پی ببریم و همچنین عملکرد ایران را بررسی کنیم، لازم است مروری بر نحوه ی نگرش ایران نسبت به سازمان ملل داشته باشیم. چرا که کمیسیون حقوق بشر، جزئی از سازمان ملل متحد می باشد و داشتن دیدگاه

منفی و یا مثبت نسبت به سازمان ملل می‌تواند نگرش به کمیسیون حقوق بشر را تغییر دهد.

۱- نحوه‌ی نگرش ایران به سازمان ملل در دوران جنگ تحمیلی

با پیروزی انقلاب اسلامی و مطرح شدن شعارهایی همچون: نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی و یا مبارزه علیه استکبار و گنجاندن آنها در متن قانون اساسی باعث شد که یکی از اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی، تحقق این اصول تلقی شود که در بطن خود اهداف بسیار والایی را دنبال می‌کرد. آقای منوچهر محمدی در کتاب خود با نام اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌نویسد: «اصول جمهوری اسلامی که براساس تر نه شرقی و نه غربی پایه‌گذاری شده است باید همه‌ی معیارهای حاکم بر نظام بین‌المللی را به زیر سؤال بکشد و منتقدانه آنها را تحلیل کند و نظرات خود را در چارچوب مکتب اسلام بیان کرده و در اعمال و اشاعه آن در روابط با سایر کشورها سعی کند».^(۲)

در واقع در هشت سال جنگ علیه ایران، گفتمان حاکم تحت تأثیر ایدئولوژی با جهت‌گیری تجدیدنظرطلبانه در روابط خارجی قرار داشت. بدین خاطر مفاهیم اساسی در عرصه‌ی روابط خارجی مورد بازنگری و تعریف جدید قرار گرفت. براساس این گفتمان

نه تنها باید ایران را در جایگاه هژمونیک قرار داد، بلکه باید تلاش کرد تا گستره‌ی آن از طریق ایجاد کانونهای متعدد مقاومت در برابر هژمون جهانی، نظام جهانی تکاثرطلب را به چالش کشید.^(۳)

لذا ایران برای رسیدن به این هدف اجرای مکانیسم رابطه با ملتها را در دستور کار خود قرار داد. که می‌توان برای نمونه به حمایت از جنبشها و نهضتهای آزادیبخش اشاره کرد.^(۴) برای همین ایران نمی‌توانست در سازمانی که اغلب در مجامعش روی سخن نه با نمایندگان واقعی ملتها بلکه با پاسداران منافع اقتصادی و فرهنگی اقلیتهای ناچیزی از این ملتها می‌باشد روی خوش نشان دهد.^(۵)

از طرف دیگر جمهوری اسلامی حق و تورا که در انحصار قدرتهای بزرگ است منافی سیستم نه شرقی و نه غربی ارزیابی می‌نمود. علاوه بر این چون سازمان را ابزاری جهت مشروعیت بخشیدن به تصمیمات کشورهای دارای حق و تو تلقی می‌کرد. نوعی عدم اعتماد سیاسی نسبت به این سازمان داشت.^(۶) به طوری که این سازمان را لانه‌ی مفسده‌جویان و دلالان دست‌نشانده‌ی ایالات متحده در غرب محسوب می‌کرد. گفتنی است که جمهوری اسلامی ایران سالها از مشارکت و همکاری با صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی خودداری نمود. صرفاً به این بهانه و ابهام که مؤسس این

سازمان کسینجر بوده است.^(۷) همچنین برخورد غیرمنطقی و نادرست این سازمان در جنگ عراق با ایران، این بی‌اعتمادی را شدت بخشیده بود و لذا جمهوری اسلامی می‌کوشید تا تعهدی نسبت به تصمیمات سازمان ملل نسیارد. مثلاً

دکتر ولایتی در سی و هفتمین اجلاس مجمع

عمومی سازمان ملل متحد در مهر ۱۳۶۱ می‌گوید:

۲- از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تا کنون (دوره

تغییر موضع نسبت به سازمان ملل)

انزوای ایران در سازمانها و شرکتهای چندجانبه بین‌المللی و منطقه‌ای و همچنین اعمال فشار به ایران برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و تهدید ایران به انجام تحریم تسلیحاتی بین‌المللی توسط سازمانها و نهادهای ذی صلاح باعث شد که در چنین شرایطی در پایان جنگ، ایران برای خنثی کردن اقدامات دولتهای منطقه‌ای و غربی اقداماتی را در چارچوب یک سری فعالیتهای سیاسی به انجام رساند.^(۹) مثلاً ده روز پس از حمله آمریکا به هواپیمای ایرانی، نماینده‌ی ایران در سازمان ملل طی ملاقات با رئیس‌برزیلی شورای امنیت، خواستار تشکیل جلسه فوق‌العاده شورای امنیت می‌گردد تا در مورد حمله کشتی جنگی آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران بحث و گفتگو کند. این تقاضا در حالی بود که قریب هفت سال جمهوری اسلامی ایران، شورای امنیت را تحریم کرده بود و لذا صرف این تقاضا خود بیانگر تجدید اصول نسبت به شورای

«در شهریور ۱۳۵۹ رژیم عراق به خاک ایران حمله کرد و هزاران نفر از مردم معصوم و غیرنظامی را به خاک و خون کشید و میلیونها نفر از هم‌میهنان ما را بی‌خانمان کرد و در طی بیست و دو ماه که بخش بزرگی از قلمرو ما در اشغال داشت، شهرها را به ویرانه‌ای مبدل کرد. گویی طی این دو سال ماشین عظیم ملل متحد به خواب فرو رفته بود و کسی به فکر استقرار صلح شرافتمندانه و عادلانه و حل مسالمت‌آمیز اختلافات و حفظ امنیت بین‌المللی به نحوی که در منشور پیش‌بینی شده است، نبود. ولی به محض آنکه رزمندگان ما توانستند با فداکاری و ایثار و قربانی کردن هزاران نفر، دشمن متجاوز را از بخش عظیم خاک خود بیرون رانند و در صدد احقاق حقوق حقه و تضمین امنیت حدود و ثغور برآیند، گویی به یکباره برای ابرقدرتها رسالت تحکیم و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی مطرح گردید و معلوم نیست این دو سال که از جنگ بین ایران و عراق می‌گذرد و مظلومی که بر ملت مظلوم ایران رفته است، این صاحبان

امنیت بود.^(۱۰) همچنین با حمایت و اجرای قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت بر علیه عراق در طول بحران دوم خلیج فارس، ایران تمایل خود را به اجتناب از هر اقدام منطقه‌ای و بین‌المللی یک‌جانبه نشان داد. چرا که در این جریان‌ها آمریکاها در صدد برآمده بودند تا اقدامات یک‌جانبه‌ای را در چارچوب امنیت یک‌قطبی در خلیج فارس تحمیل کنند.^(۱۱) لذا می‌توان گفت که پایان جنگ سرد و بحران دوم خلیج فارس و متعاقب آن مطرح شدن نظم نوین جهانی توسط آمریکاها باعث شد که ایران در این میان به سازمان ملل گرایش پیدا کند. چرا که سازمان ملل متحد به عنوان مرجع و محلی برای تبادل نظر و حل و فصل بحران ارزیابی می‌شد. در همین رابطه دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه در چهل و ششمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۳۷۰ می‌گوید: «اگر جهت‌گیری بین‌المللی به سوی نظم نوین دست‌آویزی برای تثبیت یک قدرت برتر در جهان به عنوان قطب حاکم گردد، طبعاً نمی‌تواند مورد قبول و اطمینان جامعه بین‌الملل قرار گیرد و یا موقعیتی در جلب همکاری مؤثر بین‌المللی کسب نماید. ما به عنوان اعضای ملل متحد یک بار دیگر بر سر دو راهی قرار داریم و انتخاب امروز ما می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت نظام جهانی در آینده باشد. در شکل‌دهی نظام نوین از کدامین روش استفاده خواهیم کرد؟ روشی محکوم به شکست سلطه و تبعیض یا طریق عدالت، صلح و همکاری؟»^(۱۲)

همچنین در ادامه با روی کارآمدن خاتمی این نگرش به سازمان ملل متحد با ابعاد مثبت بیشتری گسترش پیدا کرده است. به طوری که کمال خرازی در جمع سفرا و رؤسای نمایندگیهای خارجی مقیم ایران در سال ۱۳۷۶ می‌گوید: «سازمان ملل متحد به عنوان سازمانی جهان‌شمول می‌باید با قوت به کار خود ادامه داده و نقش آن ارتقاء یابد. این سازمان که فعالیتش در دوران پس از جنگ سرد افزایش یافته است، می‌باید کماکان مرجع حل مشکلات جهانی باشد و منشور ملل متحد علی‌رغم کاستیهایش به عنوان سندی مورد توافق اعضا مورد احترام قرار گیرد».^(۱۳)

همچنین در جای دیگر کمال خرازی می‌گوید: «حل مشکلات پیچیده‌ی بین‌المللی و تحقق فرصتهای پس از جنگ سرد مستلزم مشارکت کلیه اعضای جامعه بین‌المللی، بر مبنای قواعد و اصول حقوق بین‌الملل، در فرآیند تصمیم‌گیری است. سازمان ملل متحد، مظهر نمادین مشارکت جهانی و حاکمیت قانونی در سطح جهانی است. سازمان ملل متحد، تنها سازمان جهانی است که به کمک یک نظام لایق و کارآمد می‌تواند به سوی یافتن راه‌حل مشکلات جامعه بشری و پاسخ به چالشهای

پس از جنگ سرد حرکت کند»^(۱۴) حسینیان، نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، در جلسه‌ی گروه کاری تجدید ساختار شورای امنیت در ۶ مه ۱۹۹۸ مطرح گردید^(۱۵) و این نمونه‌ی خوبی است که نشان دهنده‌ی این امر است که ایران حتی انتقادات خود را امروزه به صورت ابتکار در پیشنهادات جدید در سازمان ملل متحد از طریق مشارکت فعال پی‌گیری می‌کند.

۳- جمهوری اسلامی ایران و کمیسیون حقوق بشر در دوران جنگ تحمیلی

با پیروزی انقلاب اسلامی، اهداف انقلاب در چارچوب ایدئولوژیک اسلامی و بشردوستانه در راستای حمایت از مستضعفین تجلی پیدا کرد. به طوری که رهبر عالی قدر انقلاب، چند ماه بعد از به‌ثمر رسیدن انقلاب پیشنهاد تأسیس حزب جهانی به نام حزب مستضعفین را مطرح کردند و در سخنانی فرمودند: «من امیدوارم که یک حزب، به نام حزب مستضعفین در تمام دنیا به وجود بیاید و همه‌ی مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند و مشکلاتی را که سر راه مستضعفین است از میان بردارد و در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب قیام کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند»^(۱۶)

همچنین ما در این دوران، مبارزه جهانی با تبعیض نژادی را در جمهوری اسلامی شاهد

لذا با تغییر موضع ایران نسبت سازمان ملل، ایران به دنبال مشارکت فعال در سازمان ملل بود و سعی می‌نمود که انتقادات خود را از طریق مشارکت فعال پی‌گیری نماید. مثلاً مقام معظم رهبری در مراسم گشایش هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در تاریخ ۱۸ آذرماه سال ۱۳۷۶ خطاب به نمایندگان کشورهای عضو فرمودند: «کنفرانس اسلامی بایستی به نمایندگی از پنجاه و پنج کشور اسلامی و یک میلیارد و چند صد میلیون یکی از اعضای ثابت شورای امنیت سازمان ملل متحد شود و تا وقتی حق و تو باقی است، ششمین عضو دارای حق و تو در آن شورا باشد». همچنین آقای خاتمی، ریاست جمهوری، نیز در پنجاه و سومین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی نطق خود فرمودند: «لازم می‌دانم به گفته‌ی راهگشای رهبر معظم انقلاب اسلامی در سخنرانی افتتاحیه‌ی اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران اشاره کنم که کشورهای اسلامی به نمایندگی از یک میلیارد و چند میلیون نفوس، دارای یک کرسی دائم در شورای امنیت سازمان ملل متحد شوند و تا وقتی حق و تو باقی است، ششمین عضو دارای حق و تو در آن شورا باشند و همین امر را می‌توان نسبت به کشورهای عضو جنبش عدم تعهد نیز تعمیم داد».

در ادامه موضع فوق از سوی آقای نژاد

هستیم که مبتنی بر دفاع از حیثیت و ارزش انسانی است. به طوری که رهبر عالیقدر انقلاب فرمودند:

«حساب آفریقای جنوبی هم معلوم است، رژیم نوع پرستی که به هیچ یک از ارزشهای انسانی ارج نمی دهد و اصولاً رژیمی است سفاک و جنایتکار».^(۱۷)

رسالت اسلام و دولت اسلامی اقتضاء می کند که مبارزه با جریان نژادپرستی و سیاستهای برتری نژادی به هر شکل و در هر نقطه‌ی جهان در راستای مبارزه با استکبار جهانی و ستمگران و حمایت از مستضعفین و مظلومین جزء تفکیک‌ناپذیر از برترین و حساس‌ترین امور در سیاست خارجی باشد. زیرا که دولت اسلامی به عنوان جامعه‌ی اسلامی مسئولیت تأمین و اعتبار همه انسانها را در کل جهان به عهده دارد.^(۱۸)

لذا در راستای تحقق این اهداف جمهوری اسلامی سیاست پیوستن به کنوانسیونهای ضد تبعیض نژادی را در برنامه‌ی خود قرار می دهد. و به دو کنوانسیون بین‌المللی در این زمینه می پیوندد که عبارتند از: کنوانسیون بین‌المللی لغو و مجازات جنایات آپارتاید مصوب ۳۰

نوامبر ۱۹۷۳ مجمع عمومی سازمان ملل که کنوانسیون مزبور در تاریخ ۴ بهمن ماه ۱۳۶۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و همچنین دومین کنوانسیون بین‌المللی ضد

آپارتاید در ورزش مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۵ مجمع عمومی سازمان ملل بود که این کنوانسیون در هفتم مهر ماه ۱۳۶۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.^(۱۹)

همچنین زمانی که سازمان کنفرانس اسلامی به دنبال تهیه‌ی اعلامیه حقوق بشر اسلامی بود، ایران فعالانه با این سازمان در این زمینه همکاری می کرد. به طوری که آخرین پیش‌نویس در اجلاس کارشناسان حقوقی در تهران نوشته و به تصویب رسید. (۲۶ تا ۲۸ دسامبر ۱۹۸۹) و قرار شد پیش‌نویس مزبور در نوزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی مطرح و به تصویب نهایی برسد. اجلاس مزبور در قاهره تشکیل شد و با تغییرات و اصلاحاتی که در پیش‌نویس تهران به عمل آمد، طی قطعنامه‌ای به تصویب رسید.^(۲۰) مشخصه‌ی بارز اعلامیه حقوق بشر اسلامی، ربط دادن هر یک از حقوق به مبنای شرعی و اسلامی و قید عدم مخالفت آن با موازین شرعی است. اما به هر حال به دو دلیل برای جمهوری اسلامی ایران حقوق بشر جزو اولویتهای نخست در سیاست خارجی تلقی نمی شد:

۱-۳- اول به دلیل اینکه در شرایط اول انقلاب، که به قول نگارنده کتاب مبانی و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، به حکم عقل،

کشوری که به لحاظ بروز انقلاب، خط‌مشی و مبانی جدیدی را پی‌ریخته است و تغییرات شگرفی در اصول سیاست خارجی خود کرده، توان لازم برای فعالیت همزمان در دو جبهه داخل و خارج را ندارد.^(۲۱)

۲-۳- وقوع جنگ و در صدر قرار گرفتن اولویت جنگ که این دلایل باعث شد موضوعهای حقوق بشر فقط در یک واحد و با دو میز کارشناسی در اداره امور بین‌الملل وزارت امور

خارج حل و فصل شود.^(۲۲) مثلاً با توجه به اینکه ایران نه تنها میثاق حقوق مدنی و سیاسی را رد نکرده و سیاست عملی را بر همکاری با کمیته حقوق بشر قرار داده بود و گزارش دوره‌ای در سال ۱۳۶۱ به کمیته حقوق بشر که ناظر میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد تقدیم داشت.

ولی این روند را ادامه نداد و این دلیلی به جز مسائل و مشکلات داخلی که عمدتاً ناشی از جنگ تحمیلی بود چیز دیگری نبود. همچنین باید به این مورد اشاره کرد که دید و مبنایی که تصمیم گرفته شد، گزارش دوره‌ای تهیه و نسبت به تبیین و دفاع از آن اقدام شود، با توجه به این عقیده بود که عمده مواردی که در میثاق آمده است، با موازین اسلامی مغایرت ندارد و بسیاری از حقوق مطروحه در آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید قرار

گرفته است.^(۲۳)

برای نمونه آزادی در اصول ۹، ۵۶، ۳، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۳ و ۱۴ و اصل برائت در اصل ۳۷ و ممنوعیت شکنجه در اصل ۳۸، حق برخورداری از وکیل مدافع و محاکمه عادلانه در اصول ۳۴ و ۳۵، عطف به ماسبق نشدن قانون در اصل ۱۶۹، حق شرکت در اداره‌ی امور عمومی کشور در اصول ۲، ۶، ۷، ۵۹ و ۱۰۰ و... ذکر شده است.^(۲۴) این موارد نشان می‌دهد که قانون اساسی جمهوری اسلامی با میثاق حقوق مدنی و سیاسی مغایرت ندارد.

اما در مورد کمیسیون حقوق بشر، قضیه کاملاً متفاوت است. جمهوری اسلامی ایران در این دوره از فعالیت در کمیسیون حقوق بشر دست می‌کشد که از دلایل آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

(۱) دیدگاه جمهوری اسلامی نسبت به کمیسیون حقوق بشر در چارچوب دیدگاه کلان نسبت به سازمان ملل قرار می‌گیرد که جمهوری اسلامی این سازمان را ابزاری در دست قدرتهای بزرگ و استکبار جهانی می‌داند.

(۲) همچنین با توجه به استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی در این دوره که در راستای ارتباط با ملتها قرار داشت، جمهوری اسلامی فعالیت در کمیسونی که اعضای آن نمایندگان دولتهای متبوع خود هستند و متهم به سیاسی‌کاری می‌باشند را نمی‌توانست قبول کند. در همین رابطه علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور

خارج وقت، در سخنرانی در چهل و یکمین اجلاس مجمع عمومی می‌گوید:

«کمیسیون حقوق بشر و کمیته‌ی سوم مجمع عمومی از معدود مجامعی است که هنوز تحت نفوذ بقایای دول فاتح باقی مانده است. صرف نظر از چند مورد خاص و واضح، بسیاری از موارد موضوع حقوق بشر به عنوان یک امر سیاسی توسط کشورهای غربی بر علیه کشورهای به استقلال رسیده و رها شده از وابستگی به کار گرفته می‌شود». همچنین در ادامه می‌گوید: «از این گذشته حقوق مختلف ملتها در این کمیسیون کمتر مورد توجه قرار گرفته است.» (۲۵)

۴-۱- نحوه‌ی نگرش غرب به انقلاب ایران و موضع‌گیریهای آنها در قبال این انقلاب با توجه به این اهمیت که بنیان قطعنامه بر علیه جمهوری اسلامی در هر سال کشورهای عضو اتحادیه اروپا و آمریکا و چند کشور دیگر می‌باشند. غرب که با انقلاب ایران متوجه نهضت احیای اسلام شده بود، در یک عقیده با روسها که در دوران نظام دوقطبی طرف دیگر قدرت به حساب می‌آمدند مشترک بودند و آن اینکه نهضت احیای اسلام می‌تواند یک قدرت قوی و معترض در جهان اسلام به وجود آورد که آثار آن از قطع چپاول ثروتهای مسلمین گرفته تا رفع سلطه‌ی غرب و نهایتاً استیفای حقوق از دست رفته‌ی آنان (مانند فلسطین) می‌تواند مهم و جدی باشد. (۲۶)

۴- آغاز موضع‌گیریهای کمیسیون حقوق بشر نسبت به جمهوری اسلامی

در اجلاس سی و هشتم در سال ۱۹۸۲، برای اولین بار قطعنامه‌ای در کمیسیون حقوق بشر مبنی بر نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسید. در این قطعنامه، از بابت نقض آزادیهای اساسی در اقدامهای سریع در جمهوری اسلامی ایران ابراز نگرانی شده و از دبیرکل سازمان درخواست می‌شود تا با تماسهای مستقیم با دولت ایران در خصوص وضعیت حقوق بشر، کوششهای خود را جهت تضمین برخورداری کامل بهاییان از حقوق بشر و آزادیهای اساسی به عمل آورد و گزارش آن

از طرف دیگر نیز اعلام سیاست عدم گرایش به غرب و شرق و تضاد آن با منافع ملی و سازمان کشورهای غربی، اتحادیه اروپا را در روی جمهوری اسلامی ایران قرار داد و لذا آنها از حربه‌ی حقوق بشر استفاده کردند. چرا که

حقوق بشر برای آنها به بهانه‌ای برای دخالت در
امور داخلی کشورهای دیگر تبدیل شده است تا
به بهانه حفظ حقوق اساسی و آزادیهای فردی،
اقدام به بسط دامنه نفوذ، به منظور نیل به
اهداف سیاسی و به تبع آن اهداف اقتصادی، در
جهت کسب منافع ملی، گروهی و سازمانی
خود بنمایند. قطعنامه‌های سیاسی پارلمان اروپا
در خصوص حقوق بشر در کشورهایی مثل
چین، اسرائیل، عربستان سعودی، جمهوری
اسلامی ایران و... مبین این ادعاست.^(۲۷) بدین
ترتیب مسئله حقوق بشر در جمهوری اسلامی
ایران در دستور کار کشورهای غربی قرار
گرفت و از سال ۱۳۶۰ تا سالهای اخیر، مستمراً
اتحادیه اروپا بانی قطعنامه‌هایی در محکومیت
وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران
در کمیسیون حقوق بشر و متعاقباً از سال ۱۳۶۴
در مجمع عمومی سازمان ملل بوده و آنها را نیز

به تصویب می‌رساند.^(۲۸)
اما در اینجا سؤالی که پیش می‌آید این است
که کشورهای اروپای غربی چگونه در کمیسیون
دارای نظر واحدی می‌شوند و به چه صورت
قادر هستند نظر مثبت دیگر کشورها را به
پیش نویس قطعنامه‌های خود در کمیسیون
جلب نمایند؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که با توجه
به اینکه اعضای کمیسیون بر حسب مناطق
جغرافیایی انتخاب می‌شوند که برای نمونه

کشورهای اروپای غربی امروزه از ۵۳ عضو
کمیسیون، ۱۰ عضو آن را تشکیل می‌دهند. این
تقسیم کشورهای عضو به مناطق مختلف
جغرافیایی، کم و بیش با عضویت آنان در
گروههای مختلف مطابقت دارد، که می‌توان
برای نمونه به گروه کشورهای غربی و یا
کشورهای آسیایی و آفریقایی اشاره کرد، این
گروهها هر کدام به طور جداگانه تشکیل جلسه
می‌دهند و در این جلسات سعی می‌شود که تا
حد ممکن نظریات و سیاستهای اعضای گروه
نسبت به مسائل مطروحه به هم نزدیک شود، تا
در جلسات اصلی، حال چه در کمیسیون
حقوق بشر یا در دیگر ارکان سازمان ملل با هم
هم صدا باشند. این همکاری و شور و تبادل نظر
در گروهها، در عین حال کمک عمده‌ای به
حصول توافق در ارکان سازمان ملل متحد
می‌باشد.

در بین این گروهها، گروه کشورها غربی از
انسجام بسیار بالایی برخوردار می‌باشند چرا که
کشورهای اروپایی با تصمیم‌گیری در پارلمان
اروپا، مروج نظر واحدی هستند، همچنین با
فروپاشی نظام دو قطبی نظرات کشورهای
اروپای شرقی نیز که امروزه در بین اعضای
کمیسیون، ۵ نماینده دارند به نظرات کشورهای
اروپای غربی نزدیک شده است.

همچنین حقوق بشر و آنچه امروزه در
سازمان ملل می‌بینیم برخواسته از اندیشه‌ی

غریبها در قرون ۱۷ و ۱۸ می‌باشد، لذا این گروه از کشورهای قدرت اقتناع بالایی در بین دیگر اعضا در راستای مفاهیم حقوق بشری دارند. و دیگر اینکه اعضای کمیسیون، نمایندگان دولتهای خود هستند و کشورهای مختلف با توجه به نفوذ و قدرت مالی و صنعتی گروه کشورهای غربی در صدد حفظ روابط حسنه با آنها می‌باشند لذا از موضع گیریهای آنها در صورتی که به ضرر خود ندانند، پشتیبانی می‌کنند. البته در این ارتباط نمی‌توان از همبستگی ضعیف بین کشورهای آسیایی و آفریقایی و قدرت تبلیغاتی غربیها غافل ماند. این عوامل باعث می‌شود که اعضای غیر غربی به قطعنامه‌های پیشنهادی غربیها یا رأی ممتنع دهند یا رأی مثبت خود را به طرفداری از گروه کشورهای غربی نسبت به قطعنامه ابراز دارند.

۲-۴- عدم حضور فعال ایران باعث شد که مخالفین انقلاب فرصت پیدا کنند بر علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغاتی را در کمیسیون حقوق بشر به راه بیاورند و تا حدودی به موفقیتهایی نیز برسند. مثلاً در سال ۱۹۸۱ در

اجلاس سی و هفتم، جامعه بهائیت نطقی علیه جمهوری اسلامی ایران، ایراد کرد و به دنبال آن مسئله بهائیهها هر روز بعد گسترده‌تری به خود گرفت.

این در حالی است که اگرچه در ۱۳ آبان

۱۳۵۸، دانشجویان پیرو خط امام موفق به تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا می‌شوند، لذا این موضوع یکی از موارد بحث اجلاس سی و ششم کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۸۰ می‌شود. ولی از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران در این سال عضو کمیسیون حقوق بشر بود، حضور هیأت نمایندگی ایران باعث شد که نمایندگان دولتهای مختلف و سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی به بیان کلیاتی چه در مورد گروه‌گانها و چه در موارد دیگر، به کنایه اکتفا نمایند.^(۲۹) این عامل، یعنی کناره‌گیری از حضور در کمیسیون حقوق بشر از یک طرف و استراتژی کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی که بر مکانیزم اجرایی ارتباط با ملتها قرار داشت و در نتیجه آن، روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با تعدادی از کشورها به سختی به تیرگی گراییده بود و همچنین تبلیغات غرب نیز که ایران را خطر بزرگ برای منطقه و کل جهان می‌دانست و به عنوان کشور ناقض حقوق بشر معرفی می‌کرد، موجب به وجود آمدن جو بسیار منفی علیه ایران در کمیسیون حقوق بشر گردید.

۵- جمهوری اسلامی ایران و کمیسیون

حقوق بشر از پایان جنگ تا سال ۲۰۰۴

با پایان جنگ تحمیلی و سیاست اتخاذی

جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌ی تغییر موضع

نسبت به سازمان ملل متحد و به وجود آمدن این ذهنیت که باید جایگاهی برای سازمان ملل در روابط خارجی باز نمود، باعث شد که موضع ایران نیز نسبت به کمیسیون حقوق بشر نیز تغییر پیدا کند. البته عامل دیگری نیز در این بین به قول آقای مهرپور، نویسنده کتاب «حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران» وجود داشت. اومی نویسد: «وقتی انسان می‌بیند، نظامی که با آرمان عدالتخواهی و رفع ظلم و تبعیض و احترام به آزادی و کرامت انسانی با کوله‌باری از تعلیمات انسانی مکتب اسلام و با ایثار و فداکاری انسانهای بافضیلت و آزاده به ثمر رسیده، استقرار یافته و داعیه جهانشمولی اهداف انسانی خود را داشته و کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت (بند ۶ اصل ۲ قانون اساسی) و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان (بند ۱۶ اصل ۳) را از مبانی اساسی نظام خود قرار داده است، در ردیف نظامهای خودکامه و ناقض حقوق بشر قلمداد می‌گردد، بی‌اندازه رنج می‌برد، به غرور دینی، اسلامی و ملی اش برمی‌خورد و می‌خواهد کاری کند که این وضع تغییر یابد. برای یک ایرانی مسلمان و با احساس که اندک تعلق به نظام اسلامی داشته باشد، واقعاً سنگین و غیرقابل تحمل است که در هر یک از ارگانهای سازمان ملل متحد، از مجمع عمومی، کمیته سوم، کمیسیون حقوق بشر، کمیته‌ی حقوق

بشر و امثال آنها حضور می‌یابد، نام ایران را در ردیف کشورهای همچون عراق، شیلی، السالوادور، هائیتی و غیره بشنود و هنگام استماع سخنرانی نمایندگان کشورها در این مجامع و یا حتی در برخی کمیته‌های سازمان بین‌المللی کارویونسکو هر آن منتظر شنیدن ابراز نگرانی گوینده از نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران باشد. این وضع ضمن اینکه به حیثیت جهانی نظام جمهوری اسلامی ایران لطمه می‌زند، نفس این مسئله، امر غیرقابل تحمل است و تبعات منفی سیاسی و اقتصادی نیز برای کشور دارد، که نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود.» (۳۰)

برای همین است که از این دوران شاهد هستیم که ایران رویه‌ی همکاری با کمیسیون حقوق بشر را در پیش می‌گیرد و در پی این می‌باشد که سطح فعالیت خود را در این سازمان بالا ببرد. به طوری که حتی ایران موفق می‌شود در بین سالهای ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ طی یک دوره عضو کمیسیون حقوق بشر شود. که این از نتایج درخشان دیپلماسی موفق ایران در جنگ دوم خلیج فارس بود که به آن اشاره کردیم که ایران سیاست همکاری با سازمان ملل را وجه همت خود قرار داده بود و همچنین عامل دیگر می‌تواند، پذیرش نماینده‌ی ویژه‌ی کمیسیون حقوق بشر برای سفر به ایران باشد.

در مورد ایران در دورانی که به عنوان کشور ناقص حقوق بشر شناخته می‌شد سه نماینده‌ی

ویژه از طرف کمیسیون حقوق بشر منصوب شدند که عبارت بودند از:

و همچنین متعاقب دعوت رسمی از گزارشگر آزادی بیان جهت سفر به ایران، آقای عابد از تاریخ ۷۴/۱۰/۱۷ لغایت ۷۴/۱۰/۲۰ از ایران دیدار نمود.

که در این بین، ایران توانست نظرات خود را با گزارشگران در میان بگذارد. به طوری که مثلاً در دیدار علی اکبر ولایتی با عبدالفتاح، ولایتی به این مطلب اشاره می کند که: «قوانین موضوعه اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جنبه های گوناگون حقوق بشر را مورد حمایت قرار داده است.» و «در جمهوری اسلامی ایران، اقلیتهای مذهبی از آزادی کامل برخوردارند و بر اساس رأفت اسلامی در برخی از موارد امتیازاتی حتی بیشتر از مسلمانان به آنان داده شده است»، «به عنوان نمونه اقلیت یهود به رغم آنکه تعدادشان در ایران به سی هزار نفر نمی رسد دارای نماینده ای در مجلس شورای اسلامی هستند که مانند سایر نمایندگان با آزادی کامل عقیده و بیان، به اظهار نظر در مسائل مختلف کشور می پردازند. این در حالی است که طبق قوانین ما هر یکصد هزار نفر حق انتخاب یک نماینده را دارند.»^(۳۱)

در برخورداری و بر اساس رأفت اسلامی در برخی از موارد امتیازاتی حتی بیشتر از مسلمانان به آنان داده شده است»، «به عنوان نمونه اقلیت یهود به رغم آنکه تعدادشان در ایران به سی هزار نفر نمی رسد دارای نماینده ای در مجلس شورای اسلامی هستند که مانند سایر نمایندگان با آزادی کامل عقیده و بیان، به اظهار نظر در مسائل مختلف کشور می پردازند. این در حالی است که طبق قوانین ما هر یکصد هزار نفر حق انتخاب یک نماینده را دارند.»^(۳۱)

در بعد داخلی، یکی از اقدامات جمهوری اسلامی در این دوره، تأسیس کمیسیون حقوق بشر اسلامی در اواخر سال ۱۳۷۳ از سوی رئیس قوه قضائیه و در اجرای اصل ۱۵۶ قانون اساسی می باشد.^(۳۲)

همچنین باید به این مطلب اشاره کنیم که

۱-۵- آگیلار که از سال ۱۹۸۴ بر اساس قطعنامه ی کمیسیون در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران که همچنین مقرر می داشت نماینده ویژه برای وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین گردد، به این سمت منصوب شد. که به خاطر سیاست جمهوری اسلامی در آن دوره هرگز موفق به دیدار از ایران نشد.

۲-۵- رینالدو گالیندوپل از ۱۹۸۶ به این سمت منصوب شده که انتصاب او به این سمت، مصادف بود با تغییر رویه ی ایران نسبت به کمیسیون. لذا او طی سه سال موفق شد سه بار به ایران سفر کند.

۳-۵- موریس کوپیترن که بعد از استعفای گالیندوپل به علت کهولت سن در سالهای پایانی به این سمت اشتغال داشت.

از دیگر اقدامات ایران در این دوره، دعوت از گزارشگران موضوعی به ایران است که می توان به دعوت رسمی جمهوری اسلامی از گزارشگر ویژه نابرابری مذهبی جهت سفر به ایران اشاره کرد که طی آن آقای عبدالفتاح امور از تاریخ ۲۴ آذر لغایت اول دی ماه ۱۳۷۴ (۲۲-۱۵ دسامبر ۱۹۹۵) از جمهوری اسلامی دیدار نمود.

ماده ۵ اعلام می‌دارد: «در عین اینکه اهمیت ویژگیهای ملی، منطقه‌ای و ارزشهای تاریخی، فرهنگی و زمینه‌های مذهبی را باید در نظر گرفت، این وظیفه دولتهاست که بدون در نظر گرفتن نظامهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، حقوق بشر و آزادیهای اساسی را حمایت و ترویج کنند».

۵-۵- شرکت در سازمان ملل متحد (مجمع عمومی) و پیشنهاد قطعنامه‌های حقوق بشری، که می‌توان برای نمونه به اجلاس پنجاه و یکم مجمع عمومی اشاره کرد که اداره‌ی حقوق بشر، طرح و تنظیم و تصویب رساندن دو قطعنامه را انجام داد که قطعنامه‌ی نخست درباره‌ی افزایش همکاریهای بین‌المللی در زمینه‌ی حقوق بشر و دیگری در خصوص اقدامات یکجانبه‌ی آمریکا مبنی بر تصویب قوانین داخلی با آثار فراملی و تبعات سوء آن بر حقوق بشر، در کشورهای دیگر است.

همچنین جمهوری اسلامی ایران بر روی قطعنامه‌های دیگری در زمینه آزادی بیان، ترتیبات منطقه‌ای حقوق بشر، مؤسسات ملی حقوق بشر، خشونت علیه زنان و داد و ستد زنان و کودکان، تأثیرات مستقیمی داشته است. و به طور فعال در تمام اجلاسهای کمیسیون حقوق بشر در ژنو مشارکت کرده است. و در تغییر نرملهای بین‌المللی، جزء کارآمدترین

اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ نیز به اهمیت نقش نهادهای ملی حقوق بشر پرداخته و تشویق به تأسیس چنین نهادی نموده است. بند ۳۶، بخش یک اعلامیه‌ی کنفرانس می‌گوید: کنفرانس جهانی حقوق بشر، نقش مهم و سازنده‌ی نهادهای ملی را برای ترویج و حمایت از حقوق بشر مخصوصاً در جهت مشورت دهی به مقامات دولتی، مورد تأیید قرار داده و تأثیر آنها را در جبران تخلفات حقوق بشری، اشاعه‌ی اطلاعات مربوط به حقوق بشر و آموزش حقوق بشر تصدیق می‌کند.^(۳۳) اما گذشته از این همه اقدامات، مهم‌ترین اقدام جمهوری اسلامی ایران به طور کلی و وزارت امور خارجه به طور اخص، ایجاد اداره‌ای در زیرمجموعه اداره کل امور اجتماعی و بین‌الملل به نام اداره حقوق بشر در سال ۱۳۷۲ می‌باشد. این اداره اقدامات بسیار زیادی در زمینه حقوق بشر چه در کمیسیون حقوق بشر و چه در ارگانهای دیگر سازمان ملل انجام داده است. که می‌توان برای نمونه به موارد ذیل اشاره کرد:

۴-۵- در کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین در سال ۱۹۹۳، اداره‌ی حقوق بشر وزارت امور خارجه، در تنظیم قسمتهای مختلف سند نهایی (برنامه کاری) و اعلامیه شرکت کرد و نقش ایران در تنظیم ماده ۵ اعلامیه بسیار مهم بود.

هیأتها بوده است. تصویب قطعنامه محکومیت توهین علیه ادیان، یکی از نمونه‌ی کارهای اداره حقوق بشر بوده است. همچنین فعالیتهای اطلاع‌رسانی اداره‌ی حقوق بشر در تهیه و چاپ دو بولتن ماهانه به زبان فارسی و انگلیسی شامل موضوعات حقوق بشری برای کلیه مسئولان و ارگانهای داخل سفارتخانه‌های ایرانی و افراد و سازمانهای بین‌المللی مانند نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر و مرکز حقوق بشر و کمیساریای عالی حقوق بشر متمرکزی شود که تأثیرات مهمی در موضع‌گیری آنها داشته است. (۳۳)

شود. (۳۵) این روش در اجلاس سال ۲۰۰۲ کمیسیون حقوق بشر موفق بود. به طوری که قطعنامه پیشنهادی با شکست رو به رو گردید. در این مورد خانم هسته‌ای رئیس اداره‌ی حقوق بشر وزارت خارجه می‌گوید:

«رایزنی و مذاکرات گسترده با کشورهای عضو کمیسیون، تأثیر بسزایی در حفظ و یا تغییر آرای کشورها به نفع جمهوری اسلامی ایران و یا جلوگیری از تغییر نامطلوب رأی آنان داشت. این رایزنی با استفاده از مناسبات دوجانبه، همکاریهای متقابل و چانه‌زنی صورت گرفت.»

همچنین در جریان این اجلاس، که هماهنگی و همکاری سازمان یافته و مؤثری میان نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف، ادارات ذیربط در مرکز و نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در ژنو وجود داشت، ارتباط مستمر بین بخشهای یاد شده موجب گردید تا تبادل اطلاعات درخصوص آخرین وضعیت آراء به خوبی صورت گرفته و تصمیمات ضروری برای انجام اقدامات مقتضی، اتخاذ شود. (۳۶) در اجلاسهای بعدی در سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ این روند ادامه یافت به طوری که در سالهای مزبور قطعنامه‌ای در کمیسیون بر علیه جمهوری اسلامی ایران صادر نگردید.

۵-۶- گفتگو با کشورهای غیرغربی عضو کمیسیون، جهت جلب آراء آنها. زمانی که اعضای کمیسیون حقوق بشر مشخص می‌شوند، اداره حقوق بشر جلساتی را با بخشهای دوجانبه وزارت خارجه در مورد کشور مزبور ترتیب می‌دهد تا سطح دوجانبه و تنوع روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در ایران با آن کشور کارشناسی شود. آنگاه جلساتی با نمایندگان سیاسی آنها در تهران یا محل برگزاری کمیسیون گذاشته می‌شود و اطلاعات لازم در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران و پیشرفتهای و تحولات آن به آنها ارائه می‌شود و به سوالات آنها پاسخ داده می‌شود. و سعی می‌گردد رأی منفی آن کشور به قطعنامه علیه ایران جلب

۶- **بانیان قطعنامه و جمهوری اسلامی ایران**

همان طوری که قبلاً به آن اشاره شد، بانیان قطعنامه در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا می باشد. اساسنامه اروپا نیز بر سه اصل اساسی استوار است. دموکراسی، حقوق بشر و حکومت قانون. این سه مقوله در قراردادهای رم، ماستریخت و آمستردام که مبنای تشکیل اتحادیه اروپا بودند هم مورد تأکید قرار گرفته است. در حقیقت کشورهای عضویت اتحادیه اروپا پذیرفته می شوند که واجد این سه محور باشند. دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون در روابط سیاسی و اقتصادی اروپا با سایر کشورها نیز مدنظر است. همچنین مباحث حقوق بشر در شورای اروپا و در پارلمان اروپا مورد بحث قرار می گیرد و این شورا، هم کمیسیون حقوق بشر و هم دادگاه حقوق بشر دارد، و احکام دادگاه مزبور نیز لازم الاجرا می باشد. ولیکن با همه ی این اوصاف، هنوز که هنوز است، بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و انگلیس، مسائل و مشکلات حقوق بشری دارند که جای بحث آن در اینجا نمی باشد. اما آنچه در اینجا می خواهیم به آن بپردازیم، نوع روابط خاص اتحادیه اروپا به عنوان بانیان قطعنامه، با جمهوری اسلامی ایران می باشد.

قبل از آن باید به این مطلب اشاره کنیم که نهاد حقوق بشری فعال اتحادیه اروپا، در خصوص کشورهای غیرعضو اتحادیه ی، پارلمان اروپا می باشد و کمیسیون و شورای اروپا کلیه اطلاعات مربوط به وضعیت حقوق بشر در سایر نقاط جهان از جمله جمهوری اسلامی ایران را از طریق پارلمان اروپا به دست می آورند. در بررسی قطعنامه های پارلمان اروپا در خصوص وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران دو دوره قابل تمیز است:

دوره اول فاصله زمانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا شروع به کار دوره پنجم پارلمان را شامل می شود. در این دوره، پارلمان موضع انعطاف ناپذیر و سختی در مقابل جمهوری اسلامی ایران اتخاذ نموده است و حتی اتحادیه در مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر نیز بانی قطعنامه های تنیدی علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است. جمهوری اسلامی ایران نیز به منظور تعدیل قطعنامه های پارلمان، بعد از پایان جنگ تحمیلی و در زمانی که ایران موضع همکاری با سازمان ملل را در پیش می گیرد، در موارد متعدد اقدام به انجام مذاکره با اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن نموده بود. در مذاکرات مربوط به قطعنامه های پیشنهادی اتحادیه به مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز غالباً محور مذاکرات بر تعدیل یک یا چند ماده از مواد قطعنامه استوار بود و تلاش جمهوری اسلامی ایران بود که تا با انجام مذاکره و تعدیل مواضع اتحادیه، بیانیه

رئیس را جایگزین قطعنامه محکومیت وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی بنماید. علاوه بر آن، جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به قطعنامه‌ها نیز غالباً به توضیح اوضاع داخلی پرداخته و با غیرواقع و مغرضانه خواندن این قطعنامه‌ها، آنها را مغایر با واقعیات موجود در جامعه ایران عنوان می‌ساخت و بر لزوم تعدیل آنها تأکید می‌ورزید. شروع دور دوم به اواخر کار دوره چهارم و شروع به کار دوره پنجم پارلمان اروپا باز می‌گردد. این دوره همزمان است با انتخاب آقای خاتمی و مطرح شدن شعارهایی همچون اصلاحات، جامعه‌ی مدنی، حقوق بشر و بحث گفتگوی تمدن‌ها.

اروپایی در خصوص توسعه روابط با جمهوری اسلامی ایران و انعقاد آتی موافقت‌نامه‌های تجاری و همکاری را مورد تصویب قرار داد. همچنین از دیگر اقدامات مثبت صورت گرفته توسط اتحادیه اروپا می‌توان به محکومیت منافقین به عنوان گروهک تروریستی، دعوت از ریاست جمهوری برای سفر به کشورهای عضو، مخالفت با تمدید تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، اعلام موافقت با عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان تجارت جهانی علی‌رغم مخالفت آمریکا و... اشاره کرد.

همچنین قطعنامه‌های کمیسیون در خصوص بدین منظور و در راستای پاسخ به تحولات جمهوری اسلامی ایران، نگاه پارلمان اروپا در این دوره به کشورمان تحول قابل ملاحظه‌ای داشته است. مثلاً پارلمان اروپا در بیانیه‌ای به آقای خاتمی به دلیل انتخاب مجدد ایشان تبریک می‌گوید و در ادامه می‌افزاید: «مردم ایران بار دیگر با اکثریتی غالب بر سیاست رفورم و تغییر که توسط رئیس‌جمهور ارائه شده، صحنه گذاشتند. این یک نشان بارز از سوی رأی‌دهندگان ایرانی است برای تقویت دموکراسی و استقرار حاکمیت قانون و تضمین‌های قوی‌تر برای آزادی‌های بنیادین در کشورشان».

وضعیت جمهوری اسلامی در این دوره در دو قسمت ارائه می‌گردد: یک قسمت انعکاس اخبار تحولات مثبت جمهوری اسلامی ایران و قسمت دیگر ابراز نگرانی در خصوص برخی از مسائل داخلی می‌باشد.^(۳۷)

اما در این بین سؤالی که پیش می‌آید این است که چرا با اینکه بعد از جنگ تحمیلی که ایران سیاست خارجی بر پایه‌ی عادی‌سازی روابط را آغاز کرد و حتی گفتگوی انتقادی بین ایران و اتحادیه اروپا در این دوران آغاز می‌شود، ولی روند برخورد پارلمان اروپا با حقوق بشر در ایران مانند دوره‌ای است که ایران درگیر جنگ تحمیلی بوده است. جواب به این سؤال در صورتی امکان‌پذیر است که ماهیت قدرت

شورای وزیران اتحادیه اروپا نیز در جلسه‌ی ماه جولای سال ۲۰۰۱ خود، گزارش کمیسیون

در اروپا به خوبی درک شود. از زمان ماکیاول تا به حال، دراندیشه و عمل، ذهنیت نخبگان فکری و رسمی کشورهای غربی معطوف به تأمین امنیت و ارتقای منزلت قدرت خود بوده است. برخورد دیروز و بیان خواست همکاری امروز را باید در این قالب دید. به طوری که آقای حسین سیف‌زاده در این رابطه می‌گوید: «در رفتار با غرب باید به ملزومات امنیتی و ساختار بین‌المللی توجه داشت. نباید فکر کرد که رویکرد غرب ناشی از اخلاقی شدن روابط است. بلکه بیشتر مقرون به حقیقت است.» (۳۸)

به عبارت دیگر، غرب خواهان آن است که منزلت فعلی سلسله مراتبی را در ساختار قدرت حفظ کند. لذا به خوبی می‌توان درک کرد چرا در دوره‌ی قبلی روابط با غرب رو به بهبودی نگذاشت. چرا که در گفتمانهای این دوره، دشمن تراشی، چه در کلام و چه در رفتار، یک عنصر کلیدی سیاست خارجی را تشکیل می‌داد. و همچنین سیاست خارجی وسیله‌ای برای تثبیت موقعیت شخصیتها به شمار می‌رفت و سخن گفتن درباره‌ی روابط خارجی کشور، وسیله‌ای برای نشان دادن جسارت انقلابی افراد و جناحها و مرعوب ساختن رقبا و نیروهای مخالف تلقی می‌گردید. (۳۹) به طوری که ما در ادامه شاهد هستیم حتی روابط ایران با اتحادیه اروپا در پایان این دوره، به خاطر مسائلی مانند دادگاه برلین و امثالهم نیز قطع می‌شود. در

همین رابطه، محمدی سخنگوی وقت وزارت امور خارجه می‌گوید: «جمهوری اسلامی درخواست اتحادیه اروپا در اجلاس ۱۳۷۱ ادینبورگ برای شروع مذاکره با هدف اصلاح و تغییر رفتار کشورهای اروپایی در زمینه‌های مختلف از جمله برخورد توهین‌آمیز ایشان با جهان اسلام، حمایت کشورهای عضو اتحادیه از تروریسم و پناه دادن به تروریستها و نقض حقوق بشر و برخورد دوگانه، بیگانه‌ستیزی، تضييع حق اقليتهای مسلمانان، حمایت از رژیم صهیونیستی و اشاعه‌ی تسلیحات متعارف و کشتار جمعی را پذیرفت.

لکن همان گونه که پیش از این نیز رسماً اعلام شده بود، با توجه به برخورد فاقد حسن نیت اتحادیه اروپا، جمهوری اسلامی ایران ادامه گفتگوی انتقادی در شرایط فعلی را فاقد کارایی و تأثیر لازم می‌داند و همزمان از هر گونه مذاکره، پیرامون موضوعات این گفتگوها از جمله حقوق بشر و تروریسم و تسلیحات متعارف هسته‌ای و شیمیایی با اتحادیه اروپا و اعضای آن خودداری خواهد کرد.» (۴۰)

اما با تصویب پیشنهاد آقای خاتمی برای نامگذاری سال ۲۰۰۱ به نام سال گفتگوی تمدنها، شاهد دوره جدیدی در روابط ایران با اتحادیه اروپا می‌باشیم. در همین رابطه کمال خرازی، وزیر امور خارجه می‌گوید: «اروپا جایگاه رو به توسعه‌ای در طراحی سیاست

خارجی ما دارد. به رغم ادعاهای برخی محافل، رهیافت ما در قبال اروپا، به واسطه ضرورت اقتصادی یا فوریت‌های روابط دیپلماتیک اتخاذ نشده، بلکه معتقدیم ایران به عنوان محور تمدنهای بزرگ پارسی و اسلامی، و کشورهای اروپایی نماینده تمدن غربی می‌توانند بهره‌های زیادی از یکدیگر ببرند. مامی توانیم در زمینه‌هایی که می‌توانند نه تنها به نفع ملل، بلکه به نفع کل جامعه بین‌الملل تمام می‌شود، بایکدیگر فعالیت کنیم. همکاری ما در زمینه‌ی موضوعات منطقه‌ای به کاهش تنش کمک می‌کند و تشریک مساعی ما برای حل مشکلات بین‌المللی در کاهش نگرانی‌های بین‌المللی راجع به موضوعاتی چون مواد مخدر و تروریسم ضروری خواهد بود. بنابراین زمینه‌های همکاری فراوان و نیاز به آغاز این تلاش واضح است»^(۴۱)

فرجام

در فرجام می‌توانیم به این نکته اشاره کنیم که در هر دوره‌ای که جمهوری اسلامی ایران روابط همکاری جویانه‌ی خود را با کمیسیون حقوق بشر افزایش داده، یعنی اینکه فعالیت خود را در این کمیسیون به حد بالایی رسانده، و از طرف دیگر روابط دو جانبه‌ی خود را با اعضای کمیسیون که نماینده‌ی دولتهای متبوع خود هستند را بهبود بخشیده، باعث شده که

جمهوری اسلامی در برخورد با کمیسیون به نتایجی که به آن اشاره شد، برسد. لذا می‌توان به این مورد اشاره کرد که بیش از آنکه عملکرد داخلی دولتها در چگونگی تصمیم‌گیری کمیسیون نقش داشته باشد، دیپلماسی در روابط دو جانبه است که در این کمیسیون مورد توجه قرار می‌گیرد. چرا که مهم‌ترین مسائل که در مورد جمهوری اسلامی ایران به عنوان نقض حقوق بشر عنوان گردیده و به خاطر آن محکوم شده‌ایم، مربوط می‌شود به اجرای احکام اسلامی در زمینه‌های کیفری، حقوقی،

همچنین در جای دیگری می‌گوید که در روابط با اتحادیه اروپا، ایران پیشگام گفتگو، هم در ریاست سازمان کنفرانس اسلامی و هم در سطح ملی بوده است.^(۴۲) لذا ما شاهد هستیم که در این دوره گفتگوی انتقادی در دوره‌ی قبل به گفتگوی سازنده و دوجانبه تبدیل می‌شود. همچنین باید به این نکته اشاره شود که نظریه گفتگوی تمدنها، قدرت بسیار بالایی برای ایران در تبلیغات فراهم می‌آورد و باعث می‌شود که وجهه‌ی بین‌المللی ایران بسیار بالا رود. لذا بدون دلیل نیست که یک سال بعد از

کشورمان، باید در پیوستن به این اسناد بسیار محتاطانه عمل شود و با کارشناسی بسیار قوی این کار صورت گیرد تا در صورت لزوم به صورت مشروط به این اسناد پیوست.

۲- برقرار کردن روابط نزدیک با اعضاء کمیسیون در راستای اقدامات گروهی برای نظرات مشابه و نزدیک هم که از میان این کشورها، ایران می تواند با کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و همچنین عدم تعهد، اقدامات مثبتی را در راستای فعالیتهای گروهی انجام دهد و با توجه به اینکه هر یک از اعضاء در کمیسیون یک رأی دارد، این عامل می تواند نقش مثبتی در فعالیتهای جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. و همچنین ادامه دادن گفتگوی سازنده با گروه کشورهای غربی، چرا که آنها بانیان قطعنامه بر علیه جمهوری اسلامی ایران در سالهای بسیار طولانی بوده اند و لذا عدم همکاری سازنده با آنها چه بسا آنها را دوباره در موضع منفی نسبت به جمهوری اسلامی قرار خواهد داد.

اگرچه پیش نویس قطعنامه بانیا در سال ۲۰۰۲ با شکست رو به رو شد ولی به قول آقای مهرپور، آن حس اعتماد جهانی که به عزم دولت و بخصوص رئیس جمهور در اصلاح امور و صداقت او به وجود آمده

اجتماعی و اجرایی. اگر در قضیه سلمان رشدی، ایران متهم بود، موضوع مرتبط است به یک امر مسلم اجماع اسلامی و اگر به خاطر رسمیت نشناختن فرقه ی ضالهی بهائیت محکوم می شدیم، هیچ کشور اسلامی آن را به عنوان یک دین نمی شناسد و حتی مجمع فقه سازمان کنفرانس اسلامی نیز آن را به عنوان یک مذهب مردود اعلام کرده است. اگر ایران به خاطر اجرای مجازاتهای بدنی قصاص و حدود، متهم به نقض حقوق بشر و عدم رعایت کرامت انسانی است، اصل موضوع به احکام مسلمه قرآن و اسلام بر می گردد که کشورهای دیگر اسلامی هم یا آن را قبول دارند و یا بعضی از آنها را حتی در عمل اجرا می کنند و اگر جمهوری اسلامی ایران به تبعیض بین زن و مرد و نقض وسیع حقوق زنان متهم و محکوم می گردد، باز مسئله مربوط می شود به احکام مسلمه اسلامی راجع به ارث، طلاق، ولایت، قضاوت، شهادت و امثال اینها.

لذا در پایان به عنوان راهکار عملی موارد ذیل پیشنهاد می شود:

۱- فعال بودن در داخل کمیسیون و داشتن روابط همکاری جویانه با کمیسیون، که می توان برای نمونه به اجازه ی ورود گزارشگران موضوعی حقوق بشر به ایران اشاره کرد و یا مثلاً پیوستن به اسناد حقوق بشری. البته با توجه به اسلامی بودن

- بود، شامل بنیان قطعنامه نیز می‌شد. (۴۳)
- ۳- تبلیغات مثبت نشان دهنده‌ی این امر می‌تواند باشد که ایران حامی حقوق بشر است. برای مثال مجله‌ای با عنوان حقوق بشر در کشور منتشر شود و یا مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی در این زمینه به وجود بیاید، که هم‌اکنون شاهد فعالیت مرکز مطالعات حقوق بشر در دانشگاه تهران و ایجاد کرسی حقوق بشر در دانشگاه شهید بهشتی هستیم که این مهم می‌تواند کشور را در این زمینه از لحاظ به وجود آمدن موج مثبت تبلیغات بیمه کند و همچنین اشاره به موارد حقوق بشر در سخنرانیهای مسئولان در مجامع داخل و خارج در به وجود آمدن این موج بی‌تأثیر نمی‌تواند باشد و همان طور که گفتیم بی‌دلیل نیست که بعد از سال گفتگوی تمدنها (سال ۲۰۰۱) هیچ‌گونه قطعنامه‌ای بر علیه ایران به تصویب نرسیده است.
- پانوشتها**
- ۱- سیاسی کاری کمیسیون حقوق بشر به این دلیل مطرح می‌شود که اعضای کمیسیون نمایندگان دولتهای متبوع خود هستند و این به نظر بر می‌گشت به دیدگاهی که در زمان شکل‌گیری کمیسیون حاکم بود. و آن اینکه اگر دولت‌گرایان و معتقدان به اندیشه‌های جهان وطنی را در دو سوی طیف ترتیبات بین‌المللی قرار دهیم، مابین آنها الگویی قرار خواهیم داد که آن را الگوی بین‌المللی گرا می‌خوانیم. طرفداران اصول بین‌المللی از شکل‌گیری اجماع (در میان بازیگران دولتی و غیردولتی به طور یکسان) در خصوص
 - هنجارهای حقوق بشری بین‌المللی، حمایت می‌کنند. طرفداران ایده بین‌المللی‌گرایی، بدون انکار نقش محوری دائمی بر جامعه‌ای بین‌المللی دولتها که محدودیتهای اندکی را تحمیل می‌کنند، تأکید دارند. جامعه بین‌الملل در الگوی مبتنی بر بین‌المللی‌گرایی، ضرورتاً جامعه‌ی دولتهاست. (که به وسیله سازمانهای غیردولتی و افراد کامل می‌شود، تا حدی که آنها رسماً به‌طور غیررسمی جزئی از فرآیندهای سیاسی بین‌المللی محسوب می‌شوند). اما معلوم نیست که قدرت توصیف فعلی مدل بین‌المللی‌گرا در آینده نیز دقیق عمل کند. مسلماً این مدل نه تنها بزرگ‌ترین شیوه‌ی پرداختن به حقوق بشر در روابط بین‌الملل نیست بلکه یک شیوه‌ی خوب نیز محسوب نمی‌شود. با این وجود واقعیتی که ما با آن رو به روییم، واقعیت حاکمیت مستقل و قابل ملاحظه‌ای دولتهاست که با محدودیتهای قابل قبول در جامعه‌ای بین‌المللی ریشه دوانیده است. رجوع شود به: جک دانلی، «جایگاه حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، ترجمه‌ی امیر مسعود اجتهادی، سیاست خارجی، (سال سیزدهم، شماره ۲، پاییز ۷۸) ص ۶۵۷، ۶۵۶.
 - ۲- منوچهر محمدی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶) ص ۷۱.
 - ۳- علیرضا ازغندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، نشر قومس، ۱۳۸۱) ص ۱۳.
 - ۴- احمد بخشایشی اردستانی، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، انتشارات آوای نو، ۱۳۷۵) ص ۸۵.
 - ۵- جواد منصوری، نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۵) ص ۲۱۱.
 - ۶- علیرضا ازغندی، پیشین، ص ۱۴.
 - ۷- بیژن اسدی، درآمدی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷) ص ۱۴۵.
 - ۸- مجموعه سخنرانیهای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی، دیدگاههای جهانی جمهوری اسلامی ایران، (تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص ۲۴.
 - ۹- انوشیروان احتشامی، سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی، ترجمه‌ی ابراهیم متقی، زهره پوستین چی، (تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۱۰۴.
 - ۱۰- منوچهر محمدی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اصول و مسائل، (تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷)، ص ۱۷۷.
 - ۱۱- انوشیروان احتشامی، پیشین، ص ۱۱۳.
 - ۱۲- مجموعه سخنرانیهای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی

- ۳۰- حسین مهرپور، **حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران**، (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴) ص ۱۰۴ و ۱۰۵.
- ۳۱- مجموعه اظهارات آقای ولایتی وزیر امور خارجه در سال ۱۳۷۴، **مواضع سیاست خارجی**، (تهران، اداره کل اطلاعات و مطبوعات، ۱۳۷۵) ص ۴۲۴.
- ۳۲- کمیسیون در اوایل سال ۱۹۹۵ تشکیل شد و اهداف آن به گونه‌ای که در شرح وظایفش پیش‌بینی شده عبارتند از: تبیین، آموزش و گسترش حقوق بشر از دیدگاه اسلام، نظارت بر چگونگی برخورداری و رعایت حقوق بشر، طرح و ارائه راه حل مناسب جهت اقدام و موضع‌گیری در قبال موارد نقض حقوق بشر اسلامی، رسیدگی و پیگیری موارد نقض حقوق بشر اسلامی، همکاری با سازمانهای ملی و بین‌المللی حقوق بشر و بررسی وضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به میثاقها و کنوانسیونهای بین‌المللی.
- کمیسیون دارای یک شورای عالی سیاستگذاری است که مرکب از ۹ نفر از قضات و حقوقدانان باتجربه و نمایندگان مجلس و برخی مقامات دولتی است. این کمیسیون دارای پنج کمیته به نامهای: کمیته علمی، مراقبت، برنامه‌ریزی، امور زنان و پیگیری می‌باشد.
- ۳۳- حسین مهرپور، **حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن**، (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۸) ص ۲۱ تا ۲۳.
- ۳۴- جمشید شریفیان، **پیشین**، ص ۵۵۵ تا ۵۵۷.
- ۳۵- همان، ص ۵۵۹.
- ۳۶- جمشید شریفیان، «کمیسیون حقوق بشر ۲۰۰۲ و جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست خارجی**، (سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۱) ص ۵۲۲.
- ۳۷- شهرام قاضی‌زاده، **پیشین**، ص ۱۳۳ تا ۱۳۵.
- ۳۸- حسین سیف‌زاده، «معمای گفتگو تمدنها و همزیستی فرهنگها مدخلی به افق فکری غرب»، **سیاست خارجی**، (سال سیزدهم، ویژه اروپا (۲)، پاییز ۱۳۷۸) ص ۲۳۰.
- ۳۹- علیرضا ازغندی، **پیشین**، ص ۱۹-۲۰.
- ۴۰- اظهار نظرات سخنگوی وزارت خارجه، **مواضع سیاست خارجی در سال ۱۳۷۶**، (تهران، اداره کل اطلاعات و مطبوعات، ۱۳۷۷) ص ۱۳۰.
- ۴۱- مجموعه سخنرانیهای کمال خرازی وزیر امور خارجه، **پیشین**، ص ۲۱۷-۲۱۸.
- ۴۲- **پیشین**، ص ۲۷۶.
- ۴۳- حسین مهرپور، «اجلاس کمیسیون حقوق بشر و رد قطعنامه علیه ایران»، **راهبرد**، (شماره ۲۳، بهار ۱۳۸۱)، ص ۱۷۱.
- ایران در مجامع بین‌المللی، **پیشین**، ص ۴۳۰.
- ۱۳- مجموعه سخنرانیهای کمال خرازی وزیر امور خارجه، **سیاست خارجی ما**، (تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۰)، ص ۴.
- ۱۴- **پیشین**، ص ۳۷.
- ۱۵- محمد زارعیان جهرمی، «شورای امنیت سازمان ملل و تجدید ساختار»، **پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد**، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸، ص ۱۷۹.
- ۱۶- منوچهر محمدی، **پیشین**، ص ۴۰.
- ۱۷- قاسم شعبانی، **حقوق اساسی و ساختار حکومت در جمهوری اسلامی ایران**، (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴) ص ۲۵۵.
- ۱۸- جواد منصوری، **پیشین**، ص ۱۹۴.
- ۱۹- حسین مهرپور، **نظام بین‌المللی حقوق بشر**، (تهران، اطلاعات، ۱۳۷۷) ص ۴۱۱ تا ۴۱۳.
- ۲۰- **پیشین**، ص ۳۴۵.
- ۲۱- عنایت ... یزدانی، «انزوای یا انزواگریزی تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس اصل نه شرقی نه غربی»، **سیاست خارجی** (سال ۱۳، شماره ۲، تابستان ۷۸) ص ۳۵۷ و ۳۵۸.
- ۲۲- جمشید شریفیان، **راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد**، (تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۰) ص ۵۵۳.
- ۲۳- حسین مهرپور، **حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران**، (تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴) ص ۵۰ تا ۵۲.
- ۲۴- سید داود آقایی، **ایران و سازمانهای بین‌المللی**، (تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱) ص ۳۱۱.
- ۲۵- مجموعه سخنرانیهای وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در مجامع بین‌المللی، **پیشین**، ص ۲۳۵.
- ۲۶- محمد جواد لاریجانی، **کاوشهای نظری در سیاست خارجی**، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴)، ص ۲۲۰.
- ۲۷- شهرام قاضی‌زاده، **سیستم اروپایی حقوق بشر و بررسی سیاست اتحادیه اروپا در قبال وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی**، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰، ص ۱۲۴.
- ۲۸- **پیشین**، ص ۱۲۶.
- ۲۹- محمد علی متقی‌نژاد، «طرح مسئله حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۶۵، ص ۵۶ و ۵۷.